

چرا «گاز» کم آورد؟

نبود فناوری باعث توقف در حجم تولید شد

یادداشت

از سال ۱۳۴۹ مصرف گاز شهری در پایتخت آغاز شد؛ اما کنتوری که میزان مصرف گاز را نشان دهد برای آن در نظر گرفته نشده بود. از همین رو مردم تصور می‌کردند که ثروت لایزال و رایگانی که هیچ‌گاه تمام نمی‌شود در اختیارشان قرار داده شده است. به طوری که با گاز طبیعی که به نوعی ثروت ملی محسوب می‌شد، حتی پارکینگ‌های منازل خود را نیز گرم می‌کردند. به همین دلیل نمی‌دانستند که چگونه و با چه ضوابطی باید مصرف کنند که این امر همان عدم فرهنگ‌سازی در کشور است. بد مصرفی و هدر رفت قابل توجه در مصرف گاز با بخاری‌های گازی قدیمی نیز به اوج می‌رسد. این بخاری‌ها به گونه‌ای طراحی شده بود که حجم زیادی از گاز وارد مشعل آنها می‌شد و از طریق مشعل به سمت محفظه‌ای هدایت می‌شد تا آن محفظه گرم شود. در واقع در این مدل قالب گرما از طریق دودکش خارج می‌شد و هر چه ارتفاع دودکش بالاتر بود کشتش بیشتری نیز داشت. از سوی دیگر چند سال پس از گازرسانی شهری در پایتخت طی دهه ۷۰، دولت‌ها دست به گسترش آن در سطح کشور زدند و اغلب شهرها را از نعمت گاز برخوردار کردند. همین امداد و کمک به روستاییان منجر شد روز به روز و به صورت تصاعدی مصرف گاز افزایش پیدا کند. همچنین در دولت سیزدهم نیز سیستم لوله‌کشی و گازرسانی به استان پهناور سیستان و بلوچستان صورت گرفت و شاه لوله عظیم ۵۶ اینچی گاز برای مرز پاکستان به منظور ایجاد خط لوله صلح تا حوالی چابهار و جنوب سیستان و بلوچستان رسید. از سوی دیگر مردم خواستار رفاه بیشتر در شهرها و روستاهای مختلف شدند و اعلام کردند در مناطق خود نیاز به گاز دارند.

علت پرمصرفی یا پدمصرفی چیست؟

پس از کشف ذخایر عظیم پارس جنوبی نیز تصور همگانی این بود که به دلیل اینکه ایران به ذخایر عظیم دسترسی دارد بنابراین می‌تواند هر چقدر که تمایل دارند از این سوخت مصرف کنند. با افزایش مصرف گاز، دولت‌ها مجبور شدند برای ذخایر پارس جنوبی ۲۴ فاز تعریف کنند که سال گذشته فاز یازدهم آن به بهره‌برداری رسید و وارد مدار شد. در واقع سال قبل با به مدار آمدن همین فاز بود که موفق شدیم بخشی از ناترازی ایجاد شده در حوزه گاز را تأمین کنیم.

علاوه بر آن با وجود اینکه دولت و شرکت ملی گاز ایران تجدید نظرهایی در خصوص قیمت گاز انجام داده و نرخ آن را افزایش داده‌اند، اما همچنان قیمت آن نسبت به سایر کشورها بسیار ارزان است. به طوری که افراد حاضر در دهک‌های بالای جامعه به راحتی توان مالی پرداخت هزینه‌های گاز را داشته و به هر میزان که تمایل داشته باشند از آن مصرف کرده و هزینه آن را پرداخت می‌کنند. بنابراین این افراد هیچ انگیزه‌ای برای صرفه‌جویی در مصرف گاز ندارند. از سوی دیگر تا زمانی که روستاهای کوچک که دارای ۱۰ یا ۲۰ خانوار هستند و دائماً در حال شکل‌گیری هستند، به سیستم گازرسانی متصل می‌شوند ما با ناترازی مواجه هستیم که این ناترازی با کاهش دما در فصول سرد سال تشدید نیز می‌شود. بنابراین اگر بخواهیم به مردم هوای پاک عرضه کنیم و تولید برق را کاهش ندهیم و از مازوت سوزی در نیروگاه جلوگیری کنیم، باید شرایط فعلی را که در آن قرار داریم دستخوش تغییر کنیم. یکی دیگر از پارامترهایی که در این خصوص نمی‌توان نادیده گرفت

گازسوز کردن چند صد هزار خودرو است. اگرچه این حرکت کند صورت می‌گیرد و دولت‌های اخیر نتوانستند این امر را محقق کنند اما تعدادی جایگاه سوخت‌رسانی به اتومبیل‌های دوگانه سوز یا تک پایه گازسوز تخصیص داده‌اند که همین اقدام نیز مصرف گاز در کشور را افزایش داده است. از سوی دیگر نباید فراموش کنیم محور قانون هوای پاک گاز CNG نیست بلکه محور آن گاز LPG است. به همین دلیل اقدام به گازسوز کردن خودروها کردند. در واقع در آن زمان گاز LPG در کشور تولید و حجم کمی از آن نیز صادر می‌شد از همین رو بنا شد از این گاز به عنوان سوخت پاک برای خودروها استفاده شود. اما متأسفانه در حال حاضر بیشتر آن صادر می‌شود و ما نتوانسته‌ایم آن طور که باید و شاید از این ثروت و نعمت استفاده کنیم. بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از اقداماتی که به رفع ناترازی گاز کمک شایانی می‌کند این است که گاز LPG که به مراتب سوخت با کیفیت بالاتر و با راندمان بالا است به سوخت اتومبیل‌ها تعلق یابد.

نبود فناوری

نبود فناوری روز دنیا در این حوزه یکی دلایل مهم ناترازی گاز است زیرا زمانی که فناوری روز را در اختیار نداریم نمی‌توانیم حجم تولید خود در این بخش را افزایش دهیم پس این امر تأثیر مستقیمی بر کسری گاز دارد. ایران در برهه‌هایی از تاریخ امکان بهره‌گیری از فناوری خارجی را داشته است اما به بهانه اینکه می‌خواهیم از تخصص‌های داخلی استفاده کنیم آن جور که باید و شاید از فناوری پیشرفته خارجی استفاده نکرده‌ایم. از سوی دیگر دیدگاهی وجود داشت که با بهره‌گیری و استفاده از گاز فلر به علت قیمت پایین آن مخالف بود و معتقد بود باید این گاز را با قیمت مناسب به فروش برسانیم، اما اصلاً این گاز فروخته نشد. این امر به آن معنا است که تا کنون نه تنها گاز مشعل‌ها در کشور استفاده نشده بلکه به فروش نیز نرفته و ایران در این خصوص متضرر شده است. بنابراین ما باید دیر یا زود با تکنولوژی داخلی یا خارجی از این گاز استفاده کرده و بخشی از این ناترازی را برطرف کنیم که این امر با شیرین‌سازی گاز امکانپذیر است که نیازمند جذب سرمایه است.

چالش سرمایه‌گذاری

یکی از مشکلات ما در بحث سرمایه‌گذاری مربوط به بانک‌هاست که وظیفه جمع‌آوری پول مردم را دارند و به نوعی واسطه بین مردم و صنایع محسوب می‌شوند. زیرا بانک‌ها به جای اینکه نقدینگی جامعه را جمع‌آوری کرده و به صنایع مختلف تزریق کنند درآمد خود را صرف حضور در بورس، زمین، مسکن و... می‌کنند. از سوی دیگر غالب این بنگاه‌های مالی تمایلی برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سالم و پروژه‌هایی که به نفع کشور است ندارند. علاوه بر آن سیاست خارجی یکی از مهمترین ارکان جذب سرمایه و فناوری محسوب می‌شود. به طوری که اگر دولتی بسته باشد و ورود هر عضو خارجی به حوزه سرمایه‌گذاری را به زبان کشور بداند، بنابراین چاره‌ای نداریم جز قرار گرفتن در شرایطی که در حال حاضر با آن مواجه هستیم. تغییر این وضعیت زمانی رخ می‌دهد که دولت با قراردادهای دقیق و سنجیده بتواند بخشی از این سرمایه‌گذاری را تأمین کند. با ایجاد چنین شرایطی نه تنها بخشی از ناترازی گاز در کشور جبران خواهد شد، بلکه گاز مازاد هم تولید خواهیم کرد که با فروش آن می‌توانیم درآمد ارزی قابل توجهی داشته و هزینه پروژه‌های عمرانی این حوزه را نیز تأمین کنیم. ♦



حسن مرادی

کارشناس حوزه انرژی